



محمد صادقی

چین: کابوس پنهان پنتاگون

روابط چین و ایالات متحده آمریکا در حال وارد شدن به عرصه جدیدی است. هر چند که تنش‌های سیاسی واشنگتن - پکن تاکنون از متهم ساختن یکدیگر به دخالت در امور داخلی و یا نقض حقوق بشر فراتر نرفته، ولی گسترش توان نظامی چین کابوس جدید شب‌های برنامه‌ریزان نظامی پنتاگون شده است. به باور بسیاری از کارشناسان مسایل بین‌المللی، چین در حال تبدیل شدن به یک ابر قدرت جدید جهانی در عرصه معادلات بین‌المللی است. پکن با تزریق درآمدهای مازاد ناشی از رشد اقتصادی خود به درون ارتش چین و همچنین دست‌یابی به دانش فنی پیشرفته برای ساخت جنگ‌افزارهای جدید، در حال تبدیل شدن به رقیب سرسختی برای ارتش ایالات متحده آمریکا است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، دیگر رقیب قدرتمندی برای خود متصور نمی‌بود.

از جاسوسی تا هک کردن سیستم‌های اطلاعاتی رقبا

یکی از پیچیده‌ترین مسایلی که چند سالی است سرویس‌های اطلاعاتی آمریکایی و غربی با آن مواجه هستند، روش‌های پیچیده‌ای است که

جاسوسان چینی از آن نفوذ به سیستم‌های اطلاعاتی - امنیتی و جمع‌آوری اطلاعات سیاسی، اقتصادی و نظامی مورد نیاز خود استفاده می‌کنند. بنابر اظهارات مقامات عالی رتبه اطلاعاتی آمریکا، آژانس‌های امنیتی چین در میان ۱۴۰ سرویس جاسوسی خارجی که برای نفوذ به سازمان‌های اطلاعاتی و اطلاعاتی آمریکایی تلاش می‌کنند، از پیچیده‌ترین روش‌ها استفاده می‌کنند و این مساله علاوه بر وارد آمدن خسارات بسیار سنگین اقتصادی، باعث شده تا سرویس‌های آمریکایی علاوه بر اختصاص دادن بخش زیادی از توان و نیروی انسانی خود برای مقابله با جاسوسان چینی، به فکر استخدام جاسوسان و نیروهای ضد اطلاعات جدیدی در سازمان‌های CIA و FBI بیفتند. این موضوع بعد از آن رنگ جدی‌تری به خود گرفت که سران پنتاگون در هفته‌های گذشته اعلام کردند که هکرهای چینی کامپیوتر شخصی "رابرت گیتس" وزیر دفاع آمریکا را هک کرده‌اند. هر چند که وزارت خارجه چین ادعای آمریکا را تکذیب کرد، ولی "آنجلامرکل" صدر اعظم آلمان نیز در سفر اخیر خود به چین از تلاش چینی‌ها برای ورود به سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی آنها ابراز نگرانی کرده بود!

بنا بر اظهارات مقامات اطلاعاتی فعلی و پیشین آمریکا، چینی‌ها از جنگ‌های عراق و افغانستان که سبب انحراف توجه سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا شده سود برده‌اند و از این فرصت برای جمع‌آوری اطلاعات حساس در مورد بمب‌های هسته‌ای آمریکا و طرح موشک‌ها و کشتی‌های جنگی آمریکا استفاده کرده‌اند. در همین خصوص "جوئل برنز" از مقامات عالی رتبه ضد جاسوسی آمریکا می‌گوید: جنگ عراق و نبرد با تروریسم سبب شده بخش زیادی از نیروی ما صرف این مسایل شود و در همین حال چینی‌ها در حال بهره‌جستن از این موقعیت هستند. "گیت ریگن" از مقامات سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) نیز که متمرکز بر مسایل چین بوده در این خصوص می‌گوید: اگر مردم آمریکا می‌دانستند که چه تعداد از نیروهای اطلاعاتی آمریکا مسوول مقابله با چینی‌ها هستند وحشت می‌کردند. او می‌گوید که خشم و ناامیدی وی از کمبود ابتکار و منابع برای جاسوسی متقابل از چینی‌ها یکی از دلایلی بود که باعث شد وی در سال ۲۰۰۶ بعد از ۲۴ سال کار در CIA به کار خود پایان دهد. برنز نیز با تشریح فعالیت‌های جاسوسی چین به عنوان الگویی سخت و در دسر آفرین می‌گوید که از ۱۴۰ سرویس

اطلاعاتی که برای نفوذ به اژانس‌های اطلاعاتی آمریکا تلاش می‌کنند، چین بیشترین پشتکار را دارد و از پیچیده‌ترین روش‌ها استفاده می‌کند. مقامات آمریکایی می‌گویند که مدارک نگران‌کننده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد چین برای به دست آوردن اطلاعات حساس نظامی و اقتصادی، طرح‌های حساب شده‌ای برای استخدام هزاران جاسوس حرفه‌ای و آماتور دارد.

چین، تهدیدی برای آمریکا و هند در اقیانوس هند

چین از سال ۱۹۹۹ به بعد آرام‌ولی بی‌صدا توان نظامی خود را در اقیانوس هند به مرحله‌ای رسانده که می‌تواند تهدیداتی جدی را متوجه ایالات متحده آمریکا، ژاپن و استرالیا در این منطقه از جهان نماید. این تهدیدات در صورتی تا حدودی فروکش می‌کنند که هند از پیوستن به مثلث واشنگتن-توکیو-سیدنی خودداری نماید. همین مساله باعث شده که کارشناسان امور نظامی در هند و آمریکا از گسترش سیطره چین در اقیانوس هند که اقدام به ایجاد مجمع‌الجزایر نظامی و اطلاعاتی در این منطقه برای کنترل تحرکات ناوهای آمریکایی و هندی کرده، نگران باشند. در حقیقت واقعیت این است که هند از سال ۱۹۹۹ به بعد به واسطه گسترش روابط نظامی و سیاسی خود با ایالات متحده آمریکا، تبدیل به هدف شماره یک پکن گردیده است. این بدان علت است که چینی‌ها شرایطی را پیش‌بینی می‌کنند که هند در کنار دو متحد دیگر آمریکا یعنی ژاپن و استرالیا

قرار گیرد که در این صورت ائتلاف مذکور قادر خواهد شد از نظر زمینی، دریایی و هوایی بر ارتش چین مسلط گردد. چینی‌ها همچنین به خوبی به این نکته واقف هستند که ارتش قدرتمند هند در صورت آغاز هر گونه جنگی بر سر شبه جزیره تایوان، می‌تواند جبهه جنگ دومی با چین از طریق مرزهای مشترک خود با چین در رشته کوه‌های هیمالیا باز نماید.

مساله دیگری که باعث نگرانی آمریکا و هند از حضور چین در اقیانوس هند شده، گسترش روابط چین و میانمار است. میانمار که از نظر صنعتی بسیار ضعیف‌تر از کره شمالی می‌باشد، از ذخایر غنی نفت و گاز برخوردار است و در حدود یک هزار دانشمند هسته‌ای و تکنسین را برای آموزش دیدن به روسیه اعزام کرده است. در همین حال پکن در حال توسعه بندر Sittwe در این کشور به عنوان لنگرگاهی امن برای بازرگانان و کشتی‌های جنگی خود می‌باشد و اخیراً نیز به ایجاد مکان مشابهی در بندر اقتصادی Tilawa ابراز علاقه‌مندی نشان داده است. گزارش‌های تایید نشده‌ای نیز مبنی بر این وجود دارند که تعدادی از شرکت‌های الکترونیکی چین که با ارتش چین در ارتباط هستند، وارد این بندر شده‌اند و در جزایر مرجانی این منطقه پایگاه‌های شنود راه‌اندازی کرده‌اند. در همین حال چین بر خلاف قدرت‌های غربی که به طرز بی‌رحمانه‌ای سعی کرده‌اند تمایلات سیاسی خود را به سران جزایر مالدیو مبنی بر پذیرش اپوزیسیون‌ها و هابی بقولانند، از تحمیل خواسته‌های سیاسی خود به سران این جزایر که در موقعیت استراتژیکی واقع شده‌اند خودداری کرده است. نگرانی دیگر سران هند و آمریکا گسترش سریع روابط نظامی چین و بنگلادش است. این کشور در سال ۲۰۰۵ قرارداد همکاری‌های هسته‌ای با چین منعقد نموده و تاکنون چندین هیات از سوی پکن به داکا سفر کرده‌اند تا اقدام به گسترش و تعمیق همکاری‌های نظامی چین با ارتش قدرتمند بنگلادش نمایند. این مساله از آن جهت مایه نگرانی واشنگتن و دیگر رقبای چین است که به زودی کشتی‌های جنگی بنگلادش مجهز به موشک‌های چینی ۵-80S می‌شوند که داکا می‌تواند از آنها بر علیه کشتی‌های کشورهایی که روابط دوستانه‌ای با آنها ندارد استفاده نماید.

چین به دنبال ساخت ناوهای هواپیمابر

داشتن ناوهای عظیم‌الجثه هواپیمابر و تلاش برای ساخت آنها، هر روز در میان کشورهای جهان

طرفداران بیشتری پیدا می‌کند و ایالات متحده آمریکا در این میان به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در زمینه طراحی و تولید ناوهای هواپیمابر روزه‌روز با رقبای سرسخت‌تری در عرصه بین‌المللی مواجه می‌شود. با وجودی که آمریکا سرمایه‌گذاری بسیار عظیمی برای در انحصار نگاه داشتن قدرت هوایی دریایی انجام داده ولی چنین انحصاری ممکن است از کنترل آمریکا خارج شود زیرا چندین کشور اخیراً اعلام کرده‌اند که برنامه‌هایی برای ساخت ناوهای هواپیمابر دارند که اگر برنامه‌هایشان به طور کامل به اجرا درآید، پنتاگون مجبور خواهد بود استراتژی دریایی‌اش را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد. تنها دلخوشی برنامه‌ریزان دریایی آمریکا این است که این کشور در یک یا دو دهه آینده همچنان انحصار جهانی این کلاس از کشتی‌های جنگی را در اختیار دارد. از ۲۱ ناو هواپیمابری که در حال حاضر در سطح جهان مشغول به فعالیت هستند، ۱۱ ناو هواپیمابر متعلق به آمریکا است که ۹ فرزند از آنها از کلاس نیمیتز هستند. برای برنامه‌ریزان دریایی آمریکا تنها کشورهای انگلیس، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و تا حدودی هندوستان می‌توانند به عنوان کشورهایی دارای ناوهای هواپیمابر قابل اعتماد باشند. این در حالی است که روابط آمریکا با روسیه رو به نزول است و پنتاگون افزایش قدرت نظامی چین را تهدیدی بالقوه برای خود می‌داند.

چین علاقه‌مند به داشتن ناو هواپیمابر است و خواهان سود بردن از تجربه و تخصص روس‌ها در این زمینه می‌باشد، ولی بر خلاف سایر کشورها رویکرد متفاوتی را در دست‌یابی به ناوهای هواپیمابر در پیش گرفته است. چین برای دستیابی به دانش ساخت ناوهای هواپیمابر اقدام به خرید کشتی‌های غربی برای مطالعه ساختار و عملکرد آنها کرده است. در واقع علاقه پکن به داشتن یک ناوگان دریایی پیشرفته زمانی طولانی دارد و به سال ۱۹۸۵ بازمی‌گردد که ناو هواپیمابر استرالیایی HMAS Melbourne را خرید. پکن همچنین سه فرزند از ناوهای هواپیمابر اتحاد جماهیر شوروی سابق را برای "مطالعه" از اوکراین خریداری کرده است. البته مقامات چینی هدف خود از خرید ناوهای هواپیمابر را تبدیل آنها به مجتمع‌های تفریحی عنوان کرده‌اند، ولی منابعی در صنایع نظامی اوکراین، در مصاحبه‌هایی که در سال ۲۰۰۱ انجام دادند، تایید کردند که اشخاصی که از چین برای مذاکره جهت خرید ناوهای هواپیمابر به این کشور می‌رفته‌اند،



کارشناسان امور تفریحی نبوده‌اند زیرا همگی آنها با تکنولوژی ناوهای هواپیما خیلی آشنا بوده‌اند. چین آن طور که گمان می‌رود ناوهای هواپیما بر را برای تبدیل آن به مجتمع‌های تفریحی خریداری کرده است ولی کارشناسان مسایل نظامی روسیه و غرب در گمانه‌زنی‌های خود به این موضوع اشاره کرده‌اند که این ناوها به احتمال بسیار زیاد سکویی برای آموزش و آزمایش ناوهای هواپیما چینی خواهند بود.

هر چند که چین باید برای ساخت بدنه ناو هواپیما به روسیه متوسل شود، ولی رسانه‌های گروهی این کشور به نقل از یک دیپلمات چینی در دهمین سالگرد کنگره ملی خلق چین اعلام کردند که این کشور در حال حاضر بر روی یک برنامه تحقیقاتی برای ساخت اولین بدنه بومی ناو هواپیما کار می‌کند و انتظار می‌رود که این برنامه ظرف سه سال تکمیل شود. تلاش چین برای ساخت ناو هواپیما در شرایطی صورت می‌گیرد که این کشور سایر تجهیزات و ادوات مورد نیاز ناوهای هواپیما و حتی جنگنده‌های سوخوی مخصوص فرود بر روی ناوهای هواپیما را از اوکراین خریداری کرده است. چین چهار سری از قلاب‌های دم جنگنده سوخو-۳۳ را که برای کنترل سرعت جنگنده‌ها بر روی عرشه ناوهای هواپیما بر ضروری است و سایر تجهیزات مورد نیاز برای کمک به برخاستن جنگنده‌ها از روی ناوهای هواپیما بر را که توسط یک شرکت روسی طراحی شده، در سال گذشته به دست آورده است. به باور کارشناسان، خرید ۴ سری از ادوات مورد نیاز ناوهای هواپیما به این معنی است که چین قصد دارد از اولین سری برای بررسی ساختاری و کپی برداری‌های آینده استفاده کند. از دومین سری برای انجام آزمایش‌های گوناگون بر روی ناو هواپیما استفاده کند و از دو سری دیگر برای تجهیز ناوهای هواپیما آینده خود استفاده نماید. به باور کارشناسان مسایل نظامی، چنین خریدهایی از سوی چین نشان‌دهنده این مساله است که این کشور ساخت واقعی ناوهای هواپیما را در آینده‌ای نزدیک آغاز خواهد کرد.

گزارش‌ها در خصوص تلاش چین برای ساخت ناوهای هواپیما در حالی منتشر می‌شوند که این کشور تلاش‌های همزمانی را نیز برای ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای مدرن آغاز کرده است. چین در حال حاضر موفق به تولید زیردریایی‌هایی ۰۹۴ کلاس Jin شده است که مجهز به موشک‌های

بالستیکی به برد ۸ هزار کیلومتر هستند که می‌توانند از قلمرو چین مستقیماً شهرهای مهمی را در آمریکا و کانادا مورد حمله موشکی قرار دهند.

بنابر اظهارات کارشناسان مسایل نظامی، چندین دهه تلاش چین برای ساخت ناو هواپیما و زیردریایی‌های مدرن و همچنین اختصاص هزینه‌های میلیاردی برای تحقیق در این خصوص، نه تنها نفوذ قدرتمندی به این کشور در روابط با تایوان می‌دهد، بلکه سد بازدارنده‌ای نیز در برابر استقرار ناوهای آمریکایی در غرب اقیانوس آرام ایجاد خواهد کرد. این در حالی است که برخی دیگر از کارشناسان بر این باورند که چنین تلاش و سرمایه‌گذاری گسترده‌ای حاکی از آن است که چین می‌خواهد به ابرقدرتی بین‌المللی تبدیل شود.

ارتش چین تحت فرمان چه کسی است؟

"دنیای بیرونی، اطلاعات کمی از انگیزه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و قابلیت‌های مدرن‌سازی ارتش چین دارد، رهبران چین باید توضیحات کافی درباره اهداف و دلایل گسترش توانایی‌های نظامی چین ارائه کنند." این عبارت بخشی از جدیدترین گزارش پنتاگون در خصوص قدرت نظامی چین است. بنابر اظهارات کارشناسان مسایل بین‌المللی عادت چین به مخفی کاری، چالش‌ها و تهدیدات ترسناکی را در ارزیابی جاه‌طلبی‌های این کشور در درازمدت مطرح می‌کند. برای دولت‌های خارجی و تحلیلگرانی که تحولات نظامی چین را دنبال می‌کنند یکی از بزرگترین رازها این است که چه کسی واقعا در این کشور مسوول ارتش است و آن را اداره می‌کند؟ از نظر اسمی و صوری "هو جین تائو" رییس جمهور چین که همچنین رییس کمیته مرکزی ارتش (بالاترین رده فرماندهی ارتش چین) نیز هست، رییس نیروهای مسلح این کشور می‌باشد. ولی تردید قابل تاملی در میان کارشناسان نظامی بین‌المللی در خصوص میزان قدرت و نفوذ او و سایر رهبران سیاسی روی ارتش ۲/۳ میلیون نفری قدرتمند این کشور وجود دارد. برای همسایگان چین و همچنین قدرت‌های نظامی منطقه‌ای، مخصوصاً ایالات متحده آمریکا کمبود اطلاعات در خصوص چگونگی تصمیم‌گیری برای ارتش چین، تلاشی بیهوده برای فهمیدن زیرساختی است که می‌تواند توازن قدرت در آسیا را تغییر دهد.

انتقادات سران سیاسی و نظامی آمریکا از گسترش توانایی‌های نظامی چین در حالی صورت

چین از سال ۱۹۹۹ به بعد آرام ولی بی صدا توان نظامی خود را در اقیانوس هند به مرحله‌ای رسانده که می‌تواند تهدیداتی جدی را متوجه ایالات متحده آمریکا، ژاپن و استرالیا در این منطقه از جهان نماید

می‌گیرد که مقامات ارشد نظامی یکن چین اظهاراتی را مبنی بر این که قوی‌تر شدن ارتش چین خطر بزرگی را متوجه ثبات منطقه‌ای می‌کند، رد می‌کنند و بر این موضوع پافشاری می‌کنند که هزینه‌های نظامی چین تنها صرف نیازهای دفاعی این کشور می‌شود. با این وجود برخی از تحلیلگران بانفوذ چینی می‌گویند که ارتش چین در سال‌های اخیر گام‌های قابل توجهی در تشریح دکترین نظامی و هزینه‌های نظامی خود برداشته و امیدوارند که چنین روندی ادامه یابد. اما در همین حال می‌گویند که حمایت نظامی واشنگتن از تایوان مانع از آن می‌شود که چین جزئیات بیشتری را در خصوص اهداف استراتژیک و ساختار ارتش خود علنی کند. "شن دینگلی" یک کارشناس امنیتی از دانشگاه "فودان" در شانگهای می‌گوید: ما باید به منظور حفظ قابلیت‌های جنگی مان اسرار مشخصی را محرمانه نگه داریم؛ ما نمی‌توانیم اجازه دهیم آمریکا و تایوان بفهمند که چگونه می‌خواهیم با آنها مقابله کنیم. این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که بعد از انهدام یک ماهواره هواشناسی توسط یک موشک چینی در تاریخ ۱۱ ژوئن، تردید تحلیلگران در خصوص این که چه کسی واقعا ارتش را در این کشور کنترل می‌کند قوت بیشتری گرفت. زیرا واکنش مقامات عالی‌رتبه وزارت خارجه چین به گونه‌ای بود که کاملاً نشان می‌داد از طرح ارتش برای انهدام یک ماهواره هواشناسی از کار افتاده توسط یک موشک ضد ماهواره‌ای هیچ اطلاعی نداشتند. این موضوع از آنجایی حایز اهمیت است که با وجود اعتراضات

